

بازی آخر فرشته‌ها

گزارش تپش از کودکانی
که قربانی بازی شدند



هفته قبل بود که

دانیال نواصی کودک

سه ساله اهل کوت

عبدا... در جوی

فاضلاب روباز محله

خود افتاد و جان باخت. جویی که اگر نبود یا حداقل درپوش مناسبی داشت، دانیال زنده می ماند و بازی های کودکانه اش را ادامه می داد. این اولین و آخرین حادثه نیست که برای کودکان رخ می دهد و متأسفانه زمینه تکرار اتفاقات مشابه آن وجود دارد. حوادثی که بازی های کودکانه شان را باغمی بزرگ برای والدین شان رقم می زند. این هفته سراغ حوادثی رفتیم که شادی کودکانه را تلخ کردند.

مجید غمخور

تپش

سقوط از بالکن

۳۰ اردیبهشت امسال زنی هراسان با اورژانس تبریز تماس گرفت و از سقوط فرزندش از ارتفاع خبر داد. مادر کودک در حالی که بی تابی می کرد به نیروهای اورژانس گفت فرزندم در بالکن خانه مشغول بازی بود اما با سروصدای همسایه متوجه شدم فرزندم سقوط کرده و به خیابان افتاده است. نیروهای اورژانس وقتی باحال وخیم کودک ۱۰ ساله روبه رو شدند عملیات احیا را آغاز کردند و او را به بیمارستان رساندند. ساعتی بعد کودک به علت شدت جراحات جاننش را از دست داد. همسایه های کودک در مورد سقوط او گفتند او مشغول بازی در بالکن خانه شان بود که ناگهان به لبه بالکن آمد و با از دست دادن تعادلش سقوط کرد و جان باخت.

سرقت مرگبار دریچه فاضلاب

۱۱ دی امسال سقوط یک کودک سه ساله به چاه فاضلاب در فلاورجان به آتش نشانی این شهر اعلام شد. با حضور آتش نشانان مشخص شد سارقان درپوش فاضلاب را سرقت کرده اند و پسرچه سه ساله هنگام عبور از کوچه درون چاه ۶ متری افتاده است، ساعتی بعد پیکر نیمه جان کودک با تلاش فراوان از چاه فاضلاب خارج شد اما به علت شدت جراحات جاننش را از دست داد.



سقوط به داخل کانال آب

مردادماه امسال خبر سقوط یک کودک چهارساله درون کانال آبیاری کشاورزی در ری به آتش نشانی اعلام شد. آتش نشانان برای کمک به علی داخل کانال رفته و جست و جوی او را آغاز کردند. اطلاعات اولیه نشان می داد در نزدیکی منطقه مسکونی، کانال آبی برای آبیاری زمین های کشاورزی قرار دارد و پسرچه هنگام عبور از کنار این کانال درون آن افتاده است. آتش نشانان در سه نقطه کارگاه مهار ایجاد کردند و ساعتی بعد جسد بی جان علی در نزدیکی قیامدشت از آب گرفته شد. آب، جسد کودک را از ری تا قیامدشت با خود برده بود.

تفریح ابدی

از چابهار راه افتادند تا برای دیدن دختر خانواده به نیکشهر بروند، پسرهای خوشحال بودند که خواهرشان رامی بینند. نزدیک نیکشهر به اصرار بچه ها، پدر تصمیم گرفت در منطقه دینارکلیگ کنار رودخانه استراحت کنند. دختر خانواده هم وقتی فهمید خانواده اش به آنجا رفته اند همراه همسر و پسر چهارساله اش به استقبال شان رفت. بچه ها در آب بازی می کردند و پدر و داماد مشغول درست کردن کباب بودند اما قایقی بعد متوجه غیبت بچه ها در آب شدند. تراژدی شروع شد و با حضور امدادگران هلال احمر، جسد عماد ۱۱ ساله، امیرحسین هشت ساله، امیرمحمد شش ساله و عماد چهارساله از آب بیرون آورده شدند. چهار کودک جان خود را از دست دادند تا تفریح تابستانی به عزایی ابدی تبدیل شود. پدر ۴۵ ساله که داغ سه فرزند و یک نوه اش را دیده، می گوید: «باگذشت چند ماه از حادثه نه حال همسرم خوب است و نه دخترم، هنوز بی تابی می کنند. دخترم فقط پارسای چهارساله را داشت و هنوز بی تاب پسرش است. من ۱۶ سالگی ازدواج کردم و تعدادی دیگر فرزند دارم اما مرگ سه پسر و نوهام باعث شد در ۴۵ سالگی تمام موهایم سفید شود و داغ سه فرزند و یک نوه برایم همیشه تازه باشد.»

پایان پرواز در رودخانه

در حادثه ای دیگر هواپیما باعث سقوط مرگبار کودکی در رودخانه کن شد. فروردین ۱۳۸۴ هواپیمای ساها که از کیش به تهران پرواز کرده بود برای نشستن در فرودگاه مهرآباد آماده می شد، همه چیز برای فرود آماده بود و هواپیما روی باند فرود آمد. هنوز هواپیما در باند بود که سیستم ترمز از کار افتاد، هرلظه هواپیما با سرعت به تپ باند نزدیک می شد و تلاش خلبان فایده ای نداشت. هواپیما به انتهای باند رسید و خلبان برای سقوط نکردن به داخل رودخانه کن آن را به سمت یک تپه منحرف کرد اما پس از برخورد با تپه، هواپیمای بویینگ داخل رودخانه افتاد. یکی از علل این حادثه تخریب پل روی رودخانه به علت سیل اعلام شد. در این حادثه سه نفر از جمله آربین چهارساله جانانشان را از دست دادند. جسد این کودک درون رودخانه افتاد و هیچ وقت پیدا نشد.

اسکله قاتل

۱۸ شهریور امسال نگهبان اسکله خورشهایی بوشهر مشغول رنگ زدن تیر برق شد. دو فرزند ۱۰ و پنج ساله اش هم در نزدیکی پدر در ساحل مشغول بازی بودند. فاطمه و علی اصغر به هم آب می پاشیدند و صدای خنده شان اسکله را پر کرده بود. چند دقیقه بعد پدر متوجه شد هیچ صدایی از بچه ها نمی آید. نگران به لب ساحل رفت اما اثری از دختر و پسرش نبود. هرچه آنها را صدازد، کسی جواب نمی داد. ساعتی بعد جسد دو کودک مرد نگهبان روی آب آمد. با کمک گروه های امدادی اجساد از آب بیرون آمد ولی فاطمه و علی اصغر دیگر نفس نمی کشیدند. مرد نگهبان که فقط همین دو فرزند را داشت و به تومور مغزی مبتلاست در مورد حادثه می گوید مشغول کار بودم که متوجه شدم کودکانم در ساحل نیستند. فاطمه و علی اصغر به درون آب رفته و در چاله ای که برای شست و شوی لنج ها ایجاد شده بود، افتادند و جانانشان را از دست دادند.

